

بدطهران حاصل [و] کفایت حکومتی را به سردار اشرف واگذار [کرده‌اند].

درباب ختم آقای صدر

بدموجب تلگرافات عدیده از مجتهدین طهران برای فوت مرحوم آقای صدرنجفی اعلی‌الله مقامه اهالی استرآباد در سده‌جابه ختم‌گذارده [با] احترامات فوق‌العاده [و] قهوه، جای و قلیان از مردم پذیرائی ۱۲۰ می‌نمودند.

درباب کارگزار

بر حسب احضار ایالت کارگزار با عده‌ای قزاق که برای انتخاب وکیل تراکمه رفته مایوسانه مراجعت نمودند.

درباب سرقت

در این سه چهار یوم که قزاقها دستگیر شده‌اند یک نوع اغتشاش و انقلابی توی شهر و اطراف روی کارآمده است چهارپنج دکان توی بازار را به فاصله دوشب شکافته به قرب هشتصد تومان به سرقت بردند.

نمره ۸۵

۲۶ ماه فروری ۱۹۲۵

درباب سرقت

شب بیست و یکم فروری هفت نفر ترکمان اتابائی بدشهرآمده دورأس اسب میرزا داودخان گرجی را از توی باغ دیوار را شکافته وارد به منزلش شده، اسبهارا بایک دست زین به سرقت بردند. بعد از سه روز بدتوسط آقاخان امیرامجد پنجاه تومان وجه انعام به سارقین داده اسبها را آوردند.

درباب سرقت

ایضاً تراکمه مذکور شب بیست و سیم برای دستبرد قزاق توی شهرآمده قزاقهای قراول سارقین را تا بیرون شهر تعاقب کرده چند تیر تفنگ شلیک نموده رفتند. مجدداً اواخر شب از دروازه فوجرد توی شهر داخل شده یک رأس اسب گماشته رئیس مالیه را از توی خانه سرقت کرده بردند.

درباب توحش قزاقها

چون دروازه و حصار شهر کلیه مخروبه می‌باشد از هر نقطه دزد ترکمان به سهولت داخل شهر شده، لهذا شهاب دیوان رئیس نظمیه به توسط رؤسای استرآباد بدرئیس مالیه سلطان حسین میرزا پیشنهاد نمودند در تعمیرات دروازه‌ها و بنائی حصار شهر اقدام نمایند، باعث رفاهیت ۱۲۱ اهالی خواهد بود. ضمناً لاوریج متوحش شده به توسط رئیس نظمیه خواست شهر را نظامی نمایند، یک قزاق روز در شهر گردش کرده اسلحه مردم را گرفته توقیف نمایند. رؤسای بلد راضی نشده اداره قزاقخانه فقط برای اذیت اهالی و خسارت و تجری تراکمه کوشش می‌نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب کارگزار

چندی قبل تراکمه جعفربائی میل داشتند برای رفت و آمد شهر با اهالی اصلاح نمایند. آصف‌الملک کارگزار با حکومت استرآباد کاندیدی برای حکومت کردن طوایف یموت نموده و دخل زیادی برای نواب والا پیشنهاد می‌نمایند. نه نفر از سران طایفه جعفربائی را در بندر جز دعوت کرده به عنوان درست کردن حقوق برای آنها از دولت ایشان را همراه خود بدشهر آورده در کارگزاری توقیف و حبس نظر می‌نمایند. ترکمانها از توقیف و حبس این عده از ایشان مخبر شده منتظر وقت بوده معزی‌الیه را بدچنگ آورده تلافی نمایند، تا اینکه چهل نفر قزاق را با اثاثیه و پول زیاد از لیره و غیره دستگیر کرده، تلگرافات جعلی ۱۲۲ آصف‌الملک هم به مقام ریاست الوزراء باعث تخریب سرحدی و تجری اهالی گردیده، کاری صورت نداده حکومت بیچاره را متهم و بدنام و بدشخص خود توهین وارد [کرده] با این احوال تراکمه را از منزلش رها نمی‌کند. کلیه علت این حرکات ۱۲۲ گرفتن ماهی دو بیست و پنج تومن حقوق به اسم تراکمه... ۱۲۳ بود از قضا شب ۲۴ ماه فرواری خوجه‌بای ترکمان از شدت گرسنگی و سردی هوای زمستان و نداشتن پوشاک خواست فرار کند قزاق قراول او را تفنگ زده گلوله از پهلو ترکمان مجروح نموده بیرون رفت. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل و خودکشی حکومت

به عرض رسانیده بود نواب معتمدالدوله برای مرض قلب که داشته اجازه از دولت حاصل کرده به طهران بروند. شدت سردی هوا و کثرت برف مانع حرکت نواب والا گردیده، مرض هم مستولی [شده] در صورتیکه چندی قبل وصیت کرده بودند، وصیت را به واسطه یأس از زندگی تجدید نموده صبح بیست و پنجم شهر فرواری شرحی به خط خود خطاب به ریاست الوزراء [نوشته‌اند] شدت مرض باعث قتل من شد، هیچکسی تعصیر

۱۳۱- اصل: رفائیت.

۱۳۲- اصل: جهلی.

۱۳۳- دو کلمه ناخوانا.

ندارد. بعد از من بازماندگان مجلس ترحیم نگذارند. نعش مرا در بسطام مقام شیخ بایزید دفن نمایند. با حال رقت آمیز و بیحالی خود را بد اطاق سومی رسانیده تفنگ سه تیره را گرفته بد اطاق مخصوص مراجعت [کرده] گوشه اطاق تکیه داده، لوله تفنگ را توی دامنش گذارده بانگشت پا حرکت گلوله سرش را پاشیده. ملازمان از صدای تفنگ مخبر و بالارفته در اطاق را بسته دیدند. در راشکسته یک طرف نواب والا مرحوم، یک طرف تفنگ افتاده. بعد خبر دادند تمام دوایر دولتی [به] دیوانخانه حاضر [شده]، نعش را در حمام برده شستشو داده تابوتی را مشغولند که درست کرده نعش را حمل [کرده] در بسطام در مقام بایزید بگذارند. مقارن غروب دوایر دولتی تلگرافاً خبر فوت نواب والا با وصیت او را عرضه داشتند. چون وصیت کرده است که مجلس ترحیم گذارده نشود، لذا چون از نوکرهای محترم دولت بود از طرف رؤسای دوایر مجلس ختم در عمارت آقا محمدخانی منعقد [کرده] و نعش او را با احترام زیاد روز بیست و ششم حرکت داده، عیالات آن مرحوم را بعد از سه روز برای وصیت که دکتر فهیم السلطنه نظارت ۱۳۴ داشتند حرکت بد طهران نمودند.

نمره ۹

۴ ماه مرچ

درباب فوت

میرزا هادی خان شجاع نظام پسر مرحوم میرزا علینقی خان فندرسکی برادر مهدی خان ایباخانی در فندرسک فوت شدند.

درباب ترحیم

بیست و هفتم ماه فرواری نعش مرحوم نواب معتمدالدوله حکمران استرآباد با احترامات لازمه بد تصویب وثوق الدوله رئیس الوزراء ختم را برچید، علمایان و تجار و خوانین و اهالی در عمارت آقا محمدخانی ازدحام [کرده] نعش آن مرحوم را با احترام فوق العاده حرکت داده، خطبه قرائت نموده، تا بیرون دروازه مشایعت [و] روانه بد سمت بسطام که محل مدفن پهلوی بایزید بسطامی باشد نمودند.

درباب حکومت جدید

بیست و هشتم ماه مذکور مکرم الملك به حکومت استرآباد منصوب ۱۳۵ [شده] و تلگرافی بد سردار اشرف احوالپرسی از مجتهدین بلد و سفارش امورات ولایتی را به

مشارالیه نمودند.

درباب چپاول

روز مذکور خبر رسید سوار تراکمه جعفر بانی دوهزار گوسفند هزار جریبی [را] که برای تعلیف ۱۲۶ زیر حد کرده محله بوده با دونه چوپان اسیر کرده بردند.

درباب قتل

ایضاً خبر رسید قریه پیچاک محله ۱۲۷ در بلوک کتول واقع است، تراکمه داز به عنوان دزدی رفته بودند رعایا خبردار شده یک نفر ترکمان را تیرزده مقتول شد.

درباب سرقت

شب بیست و نهم دزد طایفه اتابائی از قریه لامیلنگ ۱۲۸ نیم فرسختی مغربی دو فرد گاو سرقت کرده بردند.

درباب حکومت

ایضاً رئیس الوزراء تلگرافاً به سردار اشرف خبر داده برای حفظ و حراست استرآباد توجه کامل نمایند. عنقریب حکومت استرآباد حرکت خواهند کرد.

درباب چپاول

ایضاً شب دویم ماه مذکور هفت نفر ترکمان اتابائی به جنگل زیارت خواستند و ۱۲۹ جنوبی شهر رفته هفتاد و شش فرد گاو چپاول کرده، سه نفر چوپان [را] مغلولاً نزدیکی اوبه برده رها کرده، سیصد تومان وجه برای استرداد گاوها مطالبه می نمایند.

درباب چپاول

شب سیم ماه مرچ یازده سوار اتابائی از طایفه آق بدقریه باغ گابن یک فرسخی مشرقی رفته یکصد فرد گاو حاج محمد تقی مالک را چپاول کرده بردند. صبح حاج مزبور بدقریه فوجرد رفته دو صد تومان بد ترکمان بول داده گاوها را آوردند.

درباب قزاقها

آصف الملک برای این حرکات نادانی که خود را داخل عملیات سرحدی نموده بسیار منفعل و شرمسار است. از کثرت انفعال از خدمت مرجوعه خود استعفا می دهد.

۱۳۶- اصل: تألیف.

۱۳۷- (= پیچاک محله).

۱۳۸- (= لامی لنگ).

۱۳۹- (= خواستد رود - خامه رود).

ترکمانهای حبس [شده] را تسلیم سردار اشرف نموده، ایشان به ابوالقاسم خان فرشباشی سپرده به وسیله این تراکمه قزاقها را نجات می‌دهند. به توسط نورحسن خان، خان طایفه اتابائی به خوانین جعفربائی پیغام می‌دهند شما قزاقها را بفرستید ما هم آدمهای شمارا می‌فرستیم. ترکمانها جواب داده [اند] نه نفر آدمهای مارا روانه نمایند دوازده نفر قزاق عوض می‌دهیم. در صورتیکه بیست و پنج نفر دیگر باقی خواهند بود. بعد از فوت مرحوم معتمدالدوله تراکمه شب و روز مشغول تاخت و تاز بوده می‌گویند اگر دولت قوه می‌داشت تا به حال برای آن قزاقها خبری از ما می‌گرفتند.

نمر ۱۰۵

۱۵ ماه مرچ ۱۹۲۵

درباب قتل

ششم ماه مرچ جمعی از رعایای حیدرآباد دوفرسخی مغربی به عنوان گرفتن ماهی به سیاه آب رفته بودند یک نفر ترکمان گامیش بان نفس سردار جعفربائی در آنجا بوده سیدی بدون سابقه تفنگ را از ترکمان گرفته او را به قتل رسانیده با تفنگ ترکمان فراری کند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید تراکمه داز سیصد فرد گاو از قریه برفتان من محال کتول چپاول کرده بردند.

درباب معزولی

کلنل لاوریج با سه نفر قزاق روز نهم ماه مرچ از راه بندر جز عزیمت به طهران نمودند.

درباب منشویکها

ایضاً عده زیادی از منشویکهای سمرقند و عشق آباد که فراری بودند وارد بندر جز، چند نفر به گوش تپه و برخی به مازندران و عده زیادی با اهل و عیال به استرآباد وارد شدند.

درباب معزولی

ایضاً سالار مؤید رئیس نظمیه با میرزا محمدخان معاون خود و حاج محسن خان رئیس عدلیه استرآباد معزولا روز یازدهم ماه مرچ عزیمت به طهران نمودند.

درباب کفیل حکومت

سردار اشرف به معاونت ثقت السلطنه نایب‌الحکومه رسمی روزها دیوانخانه برای تصفیه امورات اهالی استرآباد حاضر شده، لکن علت بی‌کفایتی و عوام‌بودن سردار اشرف ابدأ عارض و معروض ندارند. چند نفر پیرمردان اتابائی را احضار می‌نمایند، ترکمانها جوابهای معترضه به‌ایشان پیغام داده و نیامدند. برعکس مدیر روزنامه رعد یک‌ستون صفحه روزنامه را شرحی از کفایت مشارالیه تهجید می‌نویسد و به‌عنوان آمدن چند نفر تراکمه و خلعت دادن سردار اشرف با هفتاد تومان انعام، همینطور شرحی توصیف از آصف‌الملک کارگزار استرآباد نوشته‌اند.

درباب حکومت

ایضاً مکرم‌الملك تلگراف متحد‌المالی به‌تمام تراکمه جعفر بائی قجق وقان یخوز احوال‌پرسی می‌نمایند.

درباب معاوضه باقراقها

تراکمه جعفر بائی یازده نفر قراقها را متدرجاً رها نموده و شش نفر مقتول [شده]، دوازده نفر از قزاق را زیر حد روداترک برده، افواه است که این عده را با شتر معاوضه نموده‌اند. سردار مامر (؟) ترکمان که در حبس کارگزار بوده از جمله تجار تراکمه محسوب است، برادرش به کفیل حکومت پیغام می‌دهد یک نفر برادر من را با دوازده نفر قزاق و اسبهای ایشان معاوضه می‌نمایم. به‌توسط نورحسن خان فرارشد قزاق را بیاورد. روز سیزدهم ماه مذکور دوازده نفر قزاق را بخت با پنج رأس اسب اسقاط شده و دو قبضه تفنگ را نورحسن خان به‌شهر آورده و آن یک نفر ترکمان را به‌صحرا بردند. لکن باقراقهای اسیر چه‌نوع سلوک می‌شود؟ روزها می‌برند اطراف باغ و زراعت خود را حفر کرده، شب به‌او به مراجعت، نصف نان جو خوراک آنها است. پاها [شان] زنجیر [است] و سخت روزگاری را می‌گذرانند. از قرار مذکور عده [ای] قزاق که بازننگ به‌قراسو می‌رفتند وجد نقد طلا و سفید، شانزده هزار تومان موجودی همراه داشتند که غنیمت ترکمانها شده است. تاچه اقتضا کند.

درباب بالشویکها

به‌قرب ششصد نفر بالشویک در حسینقلی توقف داشته با اهالی گموش‌تپه ارسال مرسول دارند. سیصد نفر هم زیر حد چاتلی و اترک می‌باشند. مدتی است همه‌آمدن بالشویکها در شهر و اطراف منتشر گردیده. از قراری که تراکمه خبر داده‌اند به‌موجب قرارداد دولت بریطانیای کبیر بالشویکها وارد خاک ایران نمی‌شوند. تراکمه از سیصد سال قبل بالشویک بوده ۱۴۰ و اهالی استرآباد هم منتظر وقت هستند. عده بالشویک تا

وارد شود سه‌مقابل مردم شهر مالحق بد آنها خواهند شد. تاجه اقتضا کند.

نمره ۱۱۵

غره ماه اپریل ۱۹۲۵

درباب سرقت

شب هیجدهم ماه مرچ هفت نفر تراکمه اتابائی بد عنوان بردن زنی داخل شهر شده خانه بقالی راشکافته صاحب‌خانه بیدار شده فریادمی کند. تراکمه از پشت در اطاق تیری خالی کرده به پای شخص بقال وارد شده فرار کردند. شخص مجروح مشغول معالجه [می‌باشد]. تاجه اقتضا کند.

درباب حکومت

بیستم ماه مذکور که لقب قائم‌مقام به حکومت استرآباد داده شده حرکت خود را از طهران تلگرافاً خبر داده. ثقتاً الساطنه معاون حکومت را برای بعضی از سؤال و نمایندگی به انضمام چهارده اسب احضار به شاهرود می‌نمایند.

درباب چپاول

بیست و چهارم ماه مذکور ترکمانهای جعفربائی برای قتل یک نفر ترکمان که رعیت حیدرآبادی مرتکب شده بود از طرف سردار اشرف کفیل حکومت اقدام نشده است، سیحندسوار جعفربائی به قریه حیدرآباد یورش آورده دو ساعت نزاع سختی نموده. هشتاد فرد گاو با جزئی گوسفندی چپاول کرده بردند. حین نزاع ترکمانها با اهالی قریه یک رأس اسب ترکمانها هم تیرافتاده است.

درباب سرقت

شب بیست و ششم ماه مرچ تراکمه اتابائی بد لجاجت سردار اشرف کفیل حکومت به شهر آمده منزل میرزاعالی خان ناظم پستخانه وارد [شده] معزی‌الیه از اطاق فرار کرده ترکمانها بد قرب سیحند و پنجاه تومان اثاثیه و لباس عیال ناظم مذکور را گرفته رفتند.

درباب اسیر

ایضاً خبر رسید تراکمه جعفربائی یک نفر بچه بد سن دوازده سالگی را از قریه کلاه‌جان دو فرسخی مغربی اسیر کرده بردند.

درباب سرقت

شب بیست و هشتم ماه مرچ دوازده نفر ترکمان بدشهر آمده کاروانسرای حاج مهدی یک رأس اسب قزاق را باسدست زین بدسرت برده، یک رأس اسب که اطاعت رفتن نکرده است دست آنرا هم شکسته رفتند.

درباب حمل توپ

اداره قزاقخانه دو عراده توپ بزرگ دستی بدتازگی از اروپا خواسته بودند از راه قراسو بداستراباد وُرد [کرده] حکم نمودند که توپها را از راه شاهرود حمل بدطهران نمایند. روز بیست و نهم ماه مرچ به قرب صدمال و ایلجاری از طرف آورده توپها را حرکت داده با یکصد و چهل نفر قزاق دوروزه وارد به گرمابدشت چهار فرسخی مشرقی گردیده، باران شدیدی آمد، توپها بامستحفظین و ایلجاری در آنجا توقف [کرده]، قائم مقام بدشاهرود وارد شده تلگراف می کند که حرکت توپ را موقوف [کنند]. قراقها گوش بدتلگراف نداده بدقوه جبریه و ایلجاری توپ را از قزلق و راه شاهکوه حمل نمودند. ورود حکمران استراباد روز چهاردهم شهر رجب است که اطلاع داده شده. از قزاقی که در استراباد منتشر است حکمران استراباد کلیه امیدواری برای آمدن دو [فوج] از قشون دولت فخیمه انگلیس بداستراباد است و چهارصد نفر هم ژاندارم از طهران مأموریت دارند. تاچه اقتضا کند.

درباب تحریک

روز سیام ماه مذکور به تحریک خوانین مقصودلوی دونفر پیاده زیر شهر مقارن ظهر ترکمانهای اتابائی را که از شهر می رفتند تیر خالی کرده گلوله دورأس اسب ترکمانها [را] سقط نموده. این تحریک برای ورود حکومت است. خوانین محلی تملق می نمایند. تاچه اقتضا کند.

نمر ۱۲۵

۱۲ ماه اپریل ۱۹۲۵

درباب حکومت

شب دویم ماه اپریل ورود خود را از تاش خیر داده. روز ۱۳ حمل وارد خواهند شد. دوشبانه روز در استراباد باران شدیدی [آمد]. در تاش کولاک و برف زیادی که، تقریباً از تاش الی گردنه قزلق سه چارک و یک ذرع برف آمد. بداین احاط و ورود قائم مقام [به] تأخیر افتاد. روز پانزدهم حمل بعد از ظهر بدون اطلاع وارد شدند. معزی الیه از ترتیبات حکومتهی بی اطلاع [است] و عنان امورات ولایتی را واگذار به سردار اشرف

نموده، ایشان هم بر ضد خیالات حکومت با اهالی سلوک می نمایند. مقصود کلیه سردار احترام حکومت است که بی کفایتی او را به دولت ثابت کرده حکومت استرآباد را به سردار اشرف بدهند.

درباب چپاول

روز ورود قائم مقام خبر رسید سوار طایفه جعفر بائی زیر حد قریه کرد محله چهار فرسخی مغربی چپاول رفتند، هفتاد رأس گامیش را چاپیده، یک نفر چوپان را به قتل می رسانند.

درباب چپاول

ایضاً روز هفتم ماه اپریل تراکمه اتابائی به تحریک سردار اشرف مقارن غروب چهار نفر رعایای زیارت خاسته زود را غارت کرده، سدرأس مال آنها را بردند نزدیک جنگل زیارت.

درباب نزاع ترکمانها

ایل یموت به چندین تیره و طایفه تقسیم می شود. ترکمانهایی که کنار رود گرگان از سرحد گوکلان الی خاک جعفر بائی منزل دارند مطابق این عده که موسوم به چمور هستند هر یک برای خود سامان مخصوص و اراضی تصرفی دارند. لکن ایل چاروا هم که تماماً صاحب حشم و مال دار چمور هستند با این طایفه چمور قرابت و یک تیره می باشند. تراکمه چمور با اهل ولایتی آمیزش داشته و دارند. تراکمه چاروا به علت کثرت مواشی تحت الحفظی آنها است. سکونت آنها زمان بیلاق ده فرسخ، پانزده فرسخ در شمال استرآباد می روند. زمان قشلاق فصل بهار و اواخر پائیز چهار فرسخی استرآباد زیر حد رود گرگان آمده هر طایفه برای خود یورت مخصوصی دارند که در آن نقطه اقامت می نمایند. چندی قبل طایفه قرچی که جزو طایفه اتابائی محسوب است یک عرابه تجار گموش تپه چند نفر زن خود را به گنبد قابوس می بردند تراکمه قرچی از آنها جاوگیری [کرده] باز نهایی مذکور به عنوان لجاجت مرتکب افعال شنیع می شوند. عرابه باز نهایی مراجعت به جعفر بائی به قضات خود اخبار کرده، قضات اعلان به جنگ و جهاد با طایفه اتابائی می نمایند. طرفین تهیه جنگ را گرفته، طایفه قجق و قان یخمر که با طایفه جعفر بائی یک تیره و هم طایفه می باشند به طایفه قرچی هجوم آورده نزاعی می شود. هفت نفر از طایفه قجق مقتول و نه نفر از طایفه جعفر بائی مقتول و مجروح گردیده، طایفه قرچی رشادت جلی دارند. ده نفر [را] هم اسیر و دستگیر می نمایند. از قرار مذکور قضات و پیر مردان میانجی شده بین آنها را اصلاح نمایند. تا چه اقتضا کند.

درباب ورود

دو نفر صاحب منصب ارکان جنگ قشونی انگلیس با هفت نفر پیاده نظام هندی روز

هشتم ماه مذکور متارن غروب وارد در شرقی استرآباد [شده] در صحرای اوزینه سرچشمه نیم فرسخی منزل نموده، از قرار مذکور برای تعیین حدود و محل ورود «بالان» واقعات قشون را بازدید نمودند. تاجه اقتضا کند.

درباب خودکشی

علی اکبرخان تلگرافچی به سن بیست و دو ساله پسر لغوی در منزل باقرخان سلطان مشغول به شرب مسکرات بوده شوخی می کردند، باقرخان سلطان قزاق دوچاک بدعلی اکبرخان تلگرافچی می زند. مشارالیه تعرضاً به منزل معاون نظمید رفته هفت تیری از يك نفر آزان گرفته برسیند خود می زند. «امورین نظمیه مخبر شده اورا به منزلش برده مشغول معالجه [اند] و خطر جانی ندارد.

درباب بالشویکها

شخصی از موثقین که مرآم بالشویکی را دیده اظهار می دارد بالشویکها با دولت بریطانیای کبیر دشمن بزرگ [اند] بر حسب ظاهر فروتنی دارند، آن هم به مکر و حیله و تزویر مشغول کار می باشند. اگرچه معاهده کرده اند بدخاک ایران وارد نشوند مخصوصاً حیله و رزیده به همان عقیده بطر کبیر که نقشه هندوستان را از خاک خراسان و ترکستان کشیده، الیوم که یازدهم ماه اپریل است خبر رسید در جنگ ترکمانها چند نفر بالشویک وارد شده بودند و چهار عراده توپ و چهار سرآه فشنگ و مهمات جنگی همراه آورده اند تاجه اقتضا کند.

نمر ۱۳۵

۲۶ ماه اپریل ۱۹۲۵

درباب نزاع تراکمه

چهاردهم ماه اپریل بین تراکمه قجق و قرقچی که در سنگرسواد اردو دارند جنگ سختی می شود. چهار نفر از تراکمه قجق مقتول [شده] دو نفر از قرقچیه با چند اسب تیر افتاده، طایفه قجق شبانه برای بردن نعش مقتولین می روند. قرقچیه قراول و بسخو داشتند يك مرتبه شلیک تفنگ می نمایند. سی نفر از طایفه قجق مقتول گردیده و شکست خورده اند. تاجه اقتضا کند.

درباب خبر

ایضاً خبر رسید عده [ای] منشوبکهای فراری که در عشوراده مسکن داشتند از ترس بالشویک فراراً از بندر جز بد استرآباد وارد بدقونساخانه گردیده، عده آنها با چند نفر زن که همراه داشتند یکصد نفر می شدند. چند روزی درقونساخانه توقف [کرده] و

بعنی خرده پاش و اثاثیه از قبیل زین فرنگی و چکمه‌های خوب و پتو بدمصرف فروش رسانیده بدتوسط حکومت مال کرایه کرده از راه شاهرود عزیمت به خراسان نمودند. چون عشوراده تخلیه شد تراکمه گموش تپه بالتکا شبانه به آنجا رفته آنچه بقیه اسباب و خرده پاش روسها بوده چاپیده بردند. شانزدهم ماه مذکور قونسول روس به کارگزار می نویسد شما قدغن کنید حکومت استرآباد در عشوراده قراول بگذارند، چون متعلق بدولت روس است محفوظ باشد.

درباب تقدیمی

مهدی خان ایلیخانی حاکم فندرسک بدتوسط سیدحسین خان پسرش دورأس اسب ممتاز برای حکومت استرآباد فرستادند.

درباب رئیس مالیه

سلطان حسین میرزا رئیس مالیه استرآباد در مدت دوسال مأموریت بیست و پنج هزار تومان فوق العاده وجه نقدی دخل کرده استعفا می دهد. روز هیجدهم ماه اپریل پنجاه نفر پیاده تفنگچی با اجزاء مالیه نواب والا را تا بندر جز مشایعت نمودند.

درباب چپاول

نوزدهم ماه مذکور خبر رسید تراکمه داز یک باوک گاو از فریده قلی آباد ملک چهارفرسخی مشرقی چپاول بردند.

درباب خبر

ایضاً تراکمه اتابائی که بدعنوان تجارت بخویوق رفته بودند مراجعت نموده اظهار می دارند خویوق از پنج تقسیم یک تقسیم منشویک بوده که بالشویکها بکای آنها را معدوم صرف (!) [کرده] و حال تمام آنها بالشویک هستند. مادیان والاغ و پوست بخارائی خریدند آورده اند و همرا بامانات روسی معامله کرده اند. مادیان فردی سه هزار منات خریدند، الاغ از پانصد منات الی هشتصد منات تجارت عمده نموده اند.

درباب شرارت

تراکمه جعفر بائی بدخیال انعقاد اردوئی که باطایفه اتابائی نزاع کرده مدمه برسانند، چون سوار ترکمان یک نقطه جمع شده مجبور است یک شرارتی و چپاولی کرده باشد به سر قریه مهتر کلاته چهارفرسخی مغربی یورش آورده گامیش را چپاول نمایند. اهالی قریه مواظبت [کرده] و چند نقطه بسخو داشته، ورود سوار ترکمان شلیک تفنگ می شود، دونفر ترکمان مقتول و چهار اسب تیرافتاده مراجعت کردند. از آنجا با پیاده زیادی و چند نفر از قضات و عثمان آخوند بدسمت طایفه اتابائی می روند که تقاص نمایند. طایفه اتابائی خردار شده جار کشیدند هر کس در خانه خود بماند زن به آن کس حرام است.

عده زیادی سواره و پیاده برای جلوگیری سروسامان اتابائی و جعفربائی رفته بسخو نمودند. از طایفه داز هم امداد رسیده، ملاخان با اللهقایی قاضی طایفه جعفربائی به شهر آمده خدمت قائم مقام اظهار داشتند بین تراکمه نزاع شده، هر آینه از طرف حکومت جلوگیری نشود فوق العاده قتل واقع می شود. روز بیست و سیم عالی اکبرخان سرهنگ از طرف حکومت بدستحرا رفته نتوانست جلوگیری نماید. چون عاقبت کار وخیم بود و برای طرفین ضرر فوق العاده داشت هر دو طرف میل به اصلاح داشتند. روز بیست و چهارم ماه اپریل حکومت به اتفاق اعتصام الممالک و لواء الدوله رئیس قشون دوسفرسخی شمالی اوبه حاج یک لک وارد [شده] بین طایفه جعفربائی و اتابائی را اصلاح کرده متفرق شدند. اصلاحیون یک از شب مراجعت نمودند.

درباب کنورت

قبل از ورود قائم مقام حکومت استرآباد بین کار گزار و ثقة الساطنه نایب الحکومه به تحریک سردار اشرف برودتی بوده، ورود حکومت از آصف المملک بدگوئی و کارشکنی می نمایند، بدون سبب و سابقه دلتنگی بین کار گزار و حکومت حاصل گردیده، آنچه را که آصف المملک می نویسد پذیرفته نشده و اعتنائی به او ندارد.

نمر ۱۴۵

۳ ماه می ۱۹۲۵

درباب قتل

شب ۲۷ اپریل دزد طایفه داز به قریه دودانگه دوسفرسخی مشرقی رفته یک نفر سیدی را بی جهت تیرزده فوت شد.

درباب قتل ایضاً

خبر رسید در قریه مرزبانکلاته دوسفرسخی مشرقی دوسفرسخی کتوای بدعنوان شوخی و مزاح تفنگ پنج تیره روسی را بدسوی همدیگر دراز، فشنگ توی تفنگ بوده خالی شد. مضروب به فاصله بیست و چهار ساعت فوت شد. ضارب ۱۲۱ هم فرار اختیار می نماید.

درباب اصلاح تراکمه

به عرض رفته بود رفتن حکمران به اتفاق اعتصام الممالک و لواء الدوله رئیس قشون استرآباد برای اصلاح بین تراکمه اتابائی و جعفربائی از طرف حکومت به تراکمه اطمینان

داده شده است عموماً بدشهر رفت و آمد نمایند. چند روز است ترکمانهای جعفربائی باعرا به نطف و نمک و مال التجاره حمل می نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب تغیر حکومت به معاون

ثقة السلطنه معاون رسمی حکومت به دستگیری سردار اشرف مشغول تخریب امورات حکومتی بوده قائم مقام مستحضر شده تغیر زیادی به ایشان می نمایند. ثقة السلطنه از شغل مرجوعه تلگرافاً استعفا می دهد. رئیس الوزراء استعفای او را قبول نکرده حکمران نادم [می شود] از مشارالیه دلجوئی می نمایند.

درباب قتل

بیست و نهم ماه اپریل غلامحسین کل ۱۲۲ معروف ساکن قریه نوده سد فرسخی مشرقی به طایفه داز می رود. ترکمانها برای قتل ترکمانی از مشارالیه سوظن داشته او را تفنگ زده به قتل رسانیدند.

درباب نظمیہ

قبل از ورود حکمران شهاب دیوان عزیمت به طهران می نمایند. امیر مظفر به اتفاق قائم مقام به استرآباد آمده به ریاست نظمیہ منسوب ۱۲۳ گردیده سید عیسی خان رئیس نظمیہ بندر جز را به استرآباد احضار، سید حسن خان نایب دومیم [را] به ریاست بندر جز مأمور کرده رفتند. تاجه شود.

درباب چپاول

سلخ ماه مذکور خبر رسید یازده نفر پیاده از طایفه جعفربائی به قریه کرد محله دزدی رفته یک نفر رعیت را مقتول، سدرأس مال مکاری را سرقت کرده بردند.

درباب سرقت

ایضاً شب غره ماه می دزد طایفه اتابائی به قریه علی آباد یک فرسخی مشرقی دزدی رفته کربلائی اللهوردی کدخدا با عیالش چراغ گرفته خانه را تفتیش می نمایند. دزد ترکمان به غرض سابقه با کدخدا تیری خالی کرده به بهلوی کدخدا وارد مشغول معالجه، بعد از چندی فوت شد.

درباب تکدر آقایان

ایضاً ایالت استرآباد برای پیش بینی حکومت خود و اقتضای وقت دوسد نفر از ملازمان مجتهدین استرآباد را به موجب جزئی ایرادی چوب بسته، حالیه مشغول به تحریک

امور حکومت گردیده، هفتده دومرتبه دسته‌بندی دارند.

درباب جعفربائی

اولاً سدنفر بالشویک درگموش ساکن هستند که یکی از آنها... ۱۴۴ رئیس قشون روس در استرآباد بوده دونفر دیگر اهل بخارا و دیگری از رؤسای حاج‌ترخان است. حکمران برای حفظ سرحدی و رفع کدورت بین جعفربائی با ولایت و انتظام امور حاج‌امین‌الایاله فراشبازی را با سدنفر سوار به جعفربائی فرستاده با قضات و خوانین تراکمه مذاکرات و قراری داده شود.

نمره ۱۵

۱۳ ماه می ۱۹۲۵

درباب تراکمه

روز پنجم ماه می فراشبازی با چند نفر خوانین جعفربائی به شهر وارد [شده] خدمت ایالت آمده اظهار خدمتگزاری می‌نمایند. در ضمن رئیس قشون روس نماینده بالشویکی کاغذی برای قائم‌مقام نوشته که شما باید با ما مساعدت نمائید. اولاً امر کنید اهالی شهر و قراء بلد آنوقده به ما بدهند. ثانیاً تجار استرآبادی از منافع روسی گرفته‌عوض اجناس... ۱۴۵ بدهند. قائم‌مقام جوابی نوشته که من نمی‌توانم از طرف خود آنوقده بدهم. به اجازه دوات معاوضه جنس به اسکناس بسته به میل تجار استرآباد است. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول

هفتم ماه مذکور خبر رسید چند نفر اشرار جعفربائی بدهنده بار کلاه که محل عبور مکاری از بندر جز به‌شاهرود است بسخو داشته هفت رأس قاطر مکاری را چپاول کرده بردند.

درباب تراکمه

نهم ماه می حسب‌الامر حکومت استرآباد، سی نفر ترکمان از طوایف اتابائی و ایلیی و داز به شهر آمده، حکمران اظهار تاطف و مهربانی به آنها می‌نماید. در ضمن با تراکمه قرارداد می‌کند از طرف دولت امر شده است دویست نفر سوار ترکمان گرفته شود. ترکمان هم پولتیکی جواب داده هر یک چهار تومان وجه انعام داده رفتند.

۱۴۴ - اسم خوانان نیست.

۱۴۵ - یک کله ناخوانا: ظاهراً اسکناس.

درباب بالشویکها

یازدهم ماه مذکور خبر رسید یک عده بیست و پنج نفری بالشویک وارد گنبد قابوس گردیده، رئیس قشون روس از گموش تپه حرکت به سمت گنبد قابوس [کرده] با تراکمه آن صفحات مشغول مذاکرات و انقلاب می باشند. تا چه اقتضا کند.

درباب ورود

ایضاً شصت نفر قزاق به انضمام دو عراده توپ مسلسل از راه مازندران وارد بندر [شده] یک عده قزاق از استراباد آنها را استقبال کرده روز دوازدهم وارد شدند.

نمره ۱۶۰

۲۰ ماه می ۱۹۲۰

درباب قونسول

چهاردهم ماه می قونسول روس رسماً به اداره کارگزاری نوشته که قونسلیخانه ما تعطیل [است] و رسمیت نخواهد داشت.

درباب عشوراده

از طهران به حکومت امر شده است در عشوراده مستحفظ بگذارند. لذا میرزامهدی خان پسر میرزا جعفرخان منشی قونسول روس را ماهی سی تومان حقوق از طرف حکومت معین نموده با چند غلام به عشوراده رفتند محافظت نمایند. تا چه اقتضا کند.

درباب جشن

حسب الامر قائم مقام برای میلاد اعلیحضرت احمدشاه سده شب بازارها را چراغانی ۱۴۶ نموده، شب بیست و هشتم را تمام ادارات دولتی جشن و چراغانی ۱۴۶ [کرده]، خصوصاً اداره قشونی استراباد در سربازخانه چراغانی مفصالی و آئین بندی [کرده] و اهالی راضیافت و شربت و چای دادند.

درباب قزاقها

صاحبان منصب اداره قزاقخانه بندر جز و استراباد به افراد قزاق القای شبهه ۱۴۷ می نمایند که در هر کوچه و بازار از دولت انگلیس تکذیب نمایند که مردمان بدسلوکی و بیرحم می باشند. صاحب منصبان ایرانی که در اداره بریگاد هستند با دولت فخریده انگلیس

۱۴۶ - (چراغانی).

۱۴۷ - اصل: شبه.

طرفیت و آشوب‌طلبی [دارندو] در استرآباد هم به‌دستیاری چند نفر از تجار بانمایندہ بالشویکها ارسال مرسول [می‌کنند] و فرقه بالشویکی جداً برای ورود به ایران استقبال و دعوت می‌نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب ورود

مهدی‌شاه ایلخانی را حکومت احضار کرده بودند. هیجدهم ماه مذکور باعده سواری وارد [شده] لدی‌الورود خدمت حکمران رفتند.

درباب ملاقات

دونفر عثمانی نماینده بالشویک، حسن ایتدی ۱۴۸* [و] صلاح‌الدین ازگموش‌تپه به‌توسطترکمانها از حکومت استرآباد خواهش برای ملاقات می‌نمایند. حکمران ایشان را احضر به‌شهر نموده جواب‌دادند ما وارد شدن توی شهر را مکلف نمی‌باشیم. طرفین قرار شد در طایفه اتابائی خانه نورسن‌خان [بروند]. روز نوزدهم قائم‌مقام باعده [ای] از سوار به اتابائی منزل نورحسن‌خان رفته، نمایندگان بالشویک هم سر وعده وارد [شده]، توی الاجیق مذاکرات خصوصی را نموده، طرفین مراجعت به مرکز خود نمودند. تاجه شود.

درباب قونسول

روز بیستم ماه می کالنگولف قونسول روس بقیه اثاث‌البیت خود را حراج ۱۴۹ کرده، این دوروزه عازم طهران هستند. از قرار مذکور سفارت روس قونسلخانه را به اداره قزاقخانه اجاره داده باشد. تاجه اقتضا کند.

نمر ۱۷۵

۲۷ ماه می ۱۹۲۵

درباب چپاول

بیست و یکم ماه می سی‌نفر سوار طایفه اتابائی به‌قریه فوجرد آمده هشتاد رأس گاو چپاول کرده، هشتاد [تومان] وجه نقد با دو رأس گاوشیر حلقه از صاحبان گاو گرفته بقیه رامسترد نمودند.

درباب چپاول

ایضاً خبر رسید تراکمه جعفربائی یک نفر رعیت زنگی محله را بایک رأس مال

۱۴۸- کذا (افندی نیست).

۱۴۹- اصل: هراج (همه موارد).

در دوفرسخی شمالی گرفته رفتند.

درباب چپاول

بیست و سیم ماه مذکور تراکمه طایفه ایلغی و اتابائی یک بلوک گاو از قریه چار چنار دوفرسخی مشرقی بردند.

درباب قتل

ایضاً تراکمه جعفر بائی به قریه نودیجه دوفرسخی مغربی چپاول رفته یک نفر رعیت رامقتول [ساخته] چهارده فردگا [و]، سه نفر آدم اسیر کرده بردند.

درباب قونسول روس

به عرض رفته بود مشارالیه اثاثیه دولتی را حراج عازم طهران است. به توسط حکومت استرآباد انبار و ذخائر بادفترخانه را اداره نظمیه ضبط کرده مهر دولتی را از قونسول گرفته عازم طهران هستند.

درباب بالشویکها

قائم مقام برای ملاقات رؤسای بالشویکی روز بیست و پنجم ماه می در محمدآباد یک فرسخی شمالی رفته، ایشان هم در آنجا وارد شده از طرف بالشویکها قرار شد شب را توقف نمایند و حکومت از آنها پذیرائی می نماید. حکومت مراجعت به شهر نموده اهالی قریه به واسطه فقر و پریشانی نتوانسته [اند] پذیرائی نمایند. به این لحاظ دونفر نماینده بالشویکها شبانه تعرضاً از محمدآباد حرکت کرده رفتند. مطالب را به حکومت خبر داده چند نفر از پیرمردان قریه محمدآباد را احضار کرده و حبس می نماید. مجدداً دورأس اسب سواری و دواسب یدک به توسط فراشباشی فرستاده ایشان را دعوت می نمایند. شب بیست و ششم ماه دونفر رئیس بالشویک که اصلاً روسی تبار بوده [اند] با چند نفر ترکمان جعفر بائی و چند نفر بالشویک که عثمانی و غیره بوده اند وارد به حکومت می شوند. احترامات فوق العاده و پذیرائی ۱۵۰ از طرف ایالت بدایشان نمودند. از ۱۵۱ ورود این عده بالشویکها اهالی شهر متزلزل شده بعضی حرفها نسبت به حکومت شنیده می شود. بعضی می گویند معظم الیه از طهران دستورالعمل مخصوصی برای پذیرائی ۱۵۰ بالشویکها دارند، برخی می گویند حکومت شخصاً بالشویک است که چند مرتبه در صحرا با ایشان ملاقات [کرده] و آنها را دعوت به شهر می نمایند. لکن دونفر صاحب منصبان قزاق ایرانی علناً می گویند چون سدها است دولت انگلیس به ماها حقوق نرسانیده عده قزاق مجبور است بالشویک را استقبال نماید و ابداً در تحت فرمان مستشاران انگلیس نخواهیم رفت. ایضاً شهرت

دارد سواره قزاق عازم به طهران هستند. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل

ایضاً روز قبل يك نفر رعیت شغال آبادی را تراکمه اتابائی لخت کرده مال او را بردند. به حکومت تظلم نموده اثری نبخشید. چهار نفر رعیت مزبور به قریه کماسی يك فرسخی مشرقی بسخو نموده، یکی از سران طایفه اتابائی [را] که از جنگ ۱۵۲ پهلوان نام داشت تیر می نمایند. به فاصله هشت ساعت خبر رسیده فوت [شد]. لاکن اصل ندارد مشغول معالجه می باشند. اطراف شهر تراکمه همه روزه مال چپاول کرده می برند. نرخ از قرار ذیل است.

نان من تبریز ۳۵ قران، چای پوط ۲۹ تومان، شکر سفید ۱۱ تومان،
نخود تبریزی ۸ قران، باقلای تبریزی سه شاهی، عدس تبریزی سیصد دینار،
مسکوکات: لیره عثمانی ۳۸ قران، اشرفی ۱۹ قران، پنج هزاری طلا ۹ قران،
دو هزاری طلا ۴ قران و ده شاهی، پنج مناطی طلا ۲۹ قران،
کاغذ منات جهت یکصد منات يك قران.

نمره ۱۸۰

۳ ماه جون ۱۹۳۰

درباب قونسول روس

از قرار معلوم قونسول انتظار ملاقات بلشویکها را داشت. بعد از ملاقات بانیکلوف روس که وارد به حکومت بوده دفتر چند ساله قونسلخانه را تسلیم آنها می نماید. بیست و نهم ماه می قونسلخانه را تسلیم اداره نظمی [داده] با خانمش و يك نفر نوکراسترابان به قراسو رفته، بعضی می گویند به عشق آباد رفته و بعضی می گویند عزیمت روسیه نموده است.

درباب حکومت

قائم مقام اولاً خود را به مذهب بهائی معرفی نموده است. ثانیاً دواسب به صاحب منصبان بالشویکی تعارف داده است و دو هزار تومان وجه از وجوه قونسلخانه که در تصرف قونسول بوده به ایشان داده است. محترماً مراجعت به گموش تپه نمودند.

۱۵۳.....

از قرار مذکور بالشویکها اظهار داشته که سی هزار نفر بالشویک برای این دشت

۱۵۲ - ظاهراً: ارژنگ.

۱۵۳ - عنوان این قسمت پاک شده است.

که بازدید شده است به شهر... ۱۵۴ از راه گنبد قابوس بسمت خراسان می‌روند و بقیه از راه شاهرود به... ۱۵۴ از آنجا خیال بدهند و استان دارند.

درباب چاول

سلخ ماه می تراکمه جعفر بانی... ۱۵۵ رأس مال ولایتی را بایک رأس اسب بیان السلطان معاون مالیه را از شمالی شهر می‌برند.

درباب بارندگی

شب غره ماه جون باران شدیدی آمده دوازده ساعت به شدت تمام و دوازده ساعت متوسط. لکن باران خوش موقع و بانعی بود. اهالی و رعایا خوشحال شدند ۱۵۶. برنج گرده [را] باری دوازده الی چهارده تومان می‌خرند. روغن تبریزی هیچ‌کسده قران است.

نمره ۱۹۵

۱۵ ماه جون ۱۹۲۵

درباب عشورانه

برای محافظت آنجا از طرف حکومت تلگرافاً بدرئیس الوزراء پیش بینی شده است ماهی دویست تومان بیدک نفر رئیس و ده نفر سوار ترکمان داده ساخلو باشند. به اجازه طهران حقوق مزبور را اداره مالیه امر شده پردازند.

درباب منشویکها

پنجم ماه جون خبر رسید چهارصد [نفر] از تراکمه خیوق که منشویک بوده با اهل و عیال به سمت ایران حرکت می‌نمایند، تا ورود به چاتالی بین راه سر نقطه [ای] تراکمه با منشویکها تصادف نموده جنگ سخت کرده دویست نفر آنها مقتول الباقی دویست نفر وارد به گنبد قابوس می‌شوند. به عقیده ایشان قشون دولت فحیمه انگلیس در گنبد قابوس است. شبانه تراکمه جعفر بانی و قجق خیال چابیدن آنها را نموده جنگ می‌نمایند. دویست نفر از تراکمه جعفر بانی مقتول [و] دویست نفر هم از منشویکها مقتول [می‌شوند]. لکن مهمات جنگی و میترا یوز داشتند تراکمه قجق نتوانستند صدمه به آنها

۱۵۴- چند کلمه نقطه چین شده پاک شده است.

۱۵۵- عدد مشخص نیست.

۱۵۶- اصل: شدن

برسانند. از آنجا بهرامیان ورود نمودند که از آنجا به خراسان رفته ملحق به قشون بریطانیا بشوند.

درباب چپاول

ششم ماه مذکور خبر رسید به قرب یکصد و پنجاه فرد گامیش جعفر بائی به... ۱۵۷
کرد محله چهار فرسخی مغربی می‌روند. اهالی کرد محله خبردار شده تمام گامیش‌ها را
ضبطاً ۱۵۸ [کرده] به سمت مازندران فرستادند.

درباب مواشی

کثرت گوسفند استرآباد علت مسدود بودن راه روسیه است. قبل از این جنگ بین
الملل از استرآباد گاو [و] گوسفند زیادی به روسیه حمل می‌نمودند و حالیه به سبب نابود
شدن منات روس گوسفند را به استرآباد آورده به مصرف فروش می‌رسانند. یابو و مادیان
والاغ هم تراکمه چمورگرگان نشین به عنوان تجارت رفته بامنات تاخت زده آوردند
نسبت به سال ماضی ارزان و فراوان است. لکن گوسفندهای تراکمه چارواکه سابقاً جفت
ده تومان بوده حالیه جفت سه تومان و پنج هزار است. کثرت مواشی در گرگان مرض
به گوسفندها وارد شده، از چاقی گرمی در شش ۱۵۹ گوسفند تولید می‌شود متدرجاً ضعیف
شده می‌میرند.

درباب سیل

به عرض رفته بود باران شدیدی در استرآباد آمده است. این بارندگی از جنوب
قریه کرد محله و هزار جریب سیل عظیمی جریان پیدا کرده نیم فرسخ جنگل را طغیان
آب فرا گرفته از توی محلات کرد محله جاری [شده] یک ذرع خانه‌های قریه تا صبح توی
آب و اهالی متزلزل [بوده] و آنچه بذر برای شلتوک ریخته و جو گندم رعایا داشتند
سیل مزبور بکلی منهدم و نابود می‌نماید.

درباب مازندران

به عرض رسانیده بود حسب الامر آقای رئیس الوزراء خوانین مازندران را به طهران
احضار و حبس نموده‌اند من جمله اسمعیل خان امیر مؤید با سهم الممالک پسرش [را]
حبس نمودند. از قراری که خبر رسیده امیر مؤید را مقتول [کرده‌اند]، پسرش به لباس
فرار به سوادکوه می‌رود. ورود به آنجا پاترده نفر ژاندارم [را] که پست خط راه بودند
گرفته سربریده است. اهالی مازندران به واسطه صدمات فوق العاده ژاندارم در باطن

۱۵۷- يك كلمه ناخوانا.

۱۵۸- اصل: ظبت.

۱۵۹- اصل: شوش.

بامشارالیه مساعدت نموده چهارهزار تومان وجه برای او فرستادند. دویست نفر ژاندارم دیگر را مقتول و حبس کرده مشغول جنگ است و خیال دارد بهمازندران آمده دوایر دولتی را هم بیرون نماید.

نمر ۲۵۵

۲۱ ماه جون ۱۹۲۵

درباب نظمیہ

سالارمؤید رئیس نظمیہ سابق قبل از ورود قائم مقام بهطهران رفته بودند. از طرف حکومت امیرمظفر که سابقاً فراشخوت نواب والا عین الدوله بوده بدریاست نظمیہ منسوب [شده] دوازدهم ماه جون تلگرافاً خبر دادند سالار مؤید از طرف دولت به مأموریت سابقه خود ریاست نظمیہ استرآباد مراجعت خواهند کرد. تاچه اقتضا کند.

درباب کار گزار

آصف الملک کار گزار استرآباد بهسبب ضدیت حکومت بهوزارت خارجه کراراً راپرت دلتنگی نموده اند. جواب مساعدت برای مشارالیه نرسیده لذا استعفا از مأموریت داده منتظر جواب است که عزیمت بهطهران نماید.

درباب حکومت

روز سیزدهم ماه جون حکومت استرآباد بداتفاق لواءالدوله رئیس قشون شصت نفر سواره قزاق همراه برداشته بندر جز می روند. به موجب تلگراف معظمالیه چهار پراخوت بالشویکی که از اتزلی حرکت کرده بود با ورود حکمران مصادف می شوند. روز چهاردهم ماه مذکور ورود بالشویکها را برای تجار استرآباد قائم مقام خبر داده، تجار متوحش گردیده تلگرافاً جواب حکومت را اظهار می دارند که ورود بالشویکها در استرآباد باعث خرابی و فساد فوق العاده است. مجبوریم جلوگیری نمائیم. ایضاً روز شانزدهم حکومت به توسط آقامیرزامهدی مجتهد به عموم تجار خبر داده بالشویکها سوه قصدی به استرآباد نداشتند، فقط برای حمل ارزاق بوده، از آنها جلوگیری نموده بندر جز بیاده نشده اند. لکن تصادف حکومت با چهار پراخوت جنگی بالشویکها عموم اهالی استرآباد می گویند قائم مقام بایشان باطناً قراردادی دارند. ایضاً تلگرافاً یک عده سوارو یک عراده توپ از اداره قزاقخانه به قراسو فوری احضار نموده اند که از راه قراسو به جعفر بائی رفته سیاحت کرده باشند.

درباب شورش سعدآباد

ایضاً از طرف اداره حکومت دونفر قزاق، یک نفر فراش به قریه سعدآباد رفته

عارضی را بیاورند. عارض فرار کرده مأمورین اثنائیه معروض [را] ضبط و باعیالات قریه بدسلوکی و ناهمواری می نمایند. روز هیجدهم ماه ژوئن زنهای قریه مأمورین راچوب مفصلی زده به قریه هفتاد نفر زن پیاده به دیوانخانه آمده فریادکنان به تمام ادارات تظلم، معاون حکومت یک نوعی زنهای رعیت راساکت کرده مأمورین را حبس می نمایند.

درباب مازندران

نوزدهم ماه جون خبر رسید تمام قزاقهای بندر جز بالوازمات و اثنائیه خود با سمت مازندران حرکت کرده و قزاقهای استراباد راهم حکم شده است برای جنگ سوادکوه به مازندران بروند. تاکنون حرکت نکرده اند. محمدحسین خان سرتیپ قزاق که به خراسان رفته بود با سمت نفر قزاق مراجعت نموده اند. تاچه شود.

درباب بندر جز

بیستم ماه مذکور خبر رسید سهم الممالک پسر اسمعیل خان سوادکوهی محل خود را تخلیه و فراراً بدطرف میرزا کوچک خان رفته است. تاچه اقتضا کند.

نمبر ۲۱۵

۲۸ ماه جون ۱۹۲۵

درباب منشویکها

بدعرض رفت، بود عده منشویکها که در گنبد قابوس با تراکمه جنگ کرده بودند، عده زن و مرد آنها یکصد و سی نفر [بودند]. ورود بهرامیان مهدی شاه ایلیخانی از آنها پذیرائی نموده تفنگ و توپهای شست تیره و بیست و پنج تیره همراه داشتند تماماً تسلیم ایلیخانی نموده بد سمت شاهرود روانه [می شوند]. از قرار مذکور در شاهرود برای معالجه مجروحین توقف نموده اند.

درباب احضار

شب بیست و سیم ماه جون باقرخان سلطان قزاقخانه عزیمت به طهران [کرده]. لکن قزاقباشی های روسی که هر یک ماهی یکصد و پنجاه تومان از دولت حقوق می گرفتند به انضمام ماهی یکصد تومان دخل از اداره خارج این دوروزه حرکت خواهند کرد.

درباب قائم مقام

معظم الیه توقف این چندروزه در بندر جز شب و روز مشغول کیف و عیاشی بوده، گاهی در پراخوت میهمان بالشویکها بوده، گاهی دعوت داشتند. برای جلب قلوب

تراکمه جعفربائی هزار و پانصد تومان از تجار استرآباد قرض خواسته که از راه قراسو به گموش تپه بروند. به عنوان گرفتن یکصد نفر سوار از ترکمان سیاحت کرده از آنجا مراجعت به شهر نمایند. تاجه اقتضا کند.

درباب چپاول

سوارهای تراکمه آق اتابائی [کد] در حکومت مرحوم معتمدالدوله مستخدم بوده اند بدو واسطه نرسیدن حقوق دوماهه روز بیست و هفتم ماه جون اسبهای خود را سوار شده جنب حصار شهر یک رأس یابو بدانضمام شحت رأس گوسفند مقارن غروب چپاول نموده بدو حرا بردند.

درباب مازندران

ایضاً خبر رسید سهم الممالک به همان خیال سابقه برای دفاع باژاندارمری مشغول جنگ هستند. قاسم خان مبشرالدوله^{۱۶۰} هم مذکور است عدای سوار بدکمک پسرهای امیر مؤید فرستاده. تاجه اقتضا کند. «حسینقلی آقا»^{۱۶۱}

نمره ۲۲۵

پنجم ماه جولای ۱۹۲۵

درباب سرقت

پنج نفر دزد جعفربائی زیرحد دروازه فوجرد جنب حصار شهر دونفر رعیت را لخت کرده مال آنها را بدغارت بردند.

درباب سرقت

بیست ونهم ماه جون خبر رسید هفت نفر از طایفه ایباغی در گدوک قزلق بسخو نموده چهار بارکشمش، دوبار چای، سیصد تومان وجه تاجر استرآبادی را بامالهای مکاری چپاول کرده بردند.

درباب تجری

سلخ ماه مذکور حکومت از بندر جز عزیمت به قراسو می نمایند. عده [ای] قزاق حرکت نمی کنند می گویند چهارماه است حقوق بدماها نرسیده و حالیه برای رفتن به صحرای یموت اطمینان نداریم. حکومت بدزبان ملایم ایشان را اسکات داده حرکت

۱۶۰- درست خوانده نمی شود و درصحت لقب تردید است.

۱۶۱- یکی دیگر از مواردی است که نویسنده از خود نام برده است.

می‌نمایند. يك شب در قراسو توقف [کرده] از آنجا به خوجه نفس وارد [شده] بر شوخ‌بای ترکمان که یکی از تجار تراکمه و بدتازگی بالشویکها شانزده هزار تومان وجه نقد اورا در کراسنودسکی به غارت برده و مشغول مذاکره است، پذیرائی فوق‌العاده از حکومت و همراهان او نمودند.

درباب حکومت

ایضاً يك نفر ولایت که مدتها در طایفه جعفربائی مشغول سرقت و راهزنی بوده رؤسای جعفربائی اورا مغولاً خدمت حکمران آورده به شهر فرستادند در نظمیة حبس است. سه شب در گموش‌تپه توقف نموده مراجعت به اونجلی ۱۶۲ کرده در آنجا نود نفر سوار ماهی بیست تومان حقوق از جعفربائی انتخاب کرده روز سیم ماه جولای بادونفر ترکمان وارد شهر شده راپرت کارهای سرحدی را به طهران مخابره نموده طرف‌عصری مراجعت به اردو کرده مشغول به جمع‌آوری بقیه اسبهای قزاقها و تفنگ و لباس غارت شده می‌باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب ایلیخانی

حسب امر حکومت مهدی‌شاه ایلیخانی دو عراده توپ بیست و پنج تیره و يك عراده توپ شحت تیره به انضمام هفتاد قبضه تفنگ پنج تیره که از منشویکها گرفته بودند روز چهارم ماه جولای به شهر فرستاده و خود با پنجاه نفر سوار به جعفربائی خدمت حکمران رفتند.

نمره ۲۳۵

۱۹۲۵

درباب استرداد

قائم‌مقام چند روزی به پولتیک در گموش‌تپه و انجلی توقف نموده هفت رأس اسب بالباسهای کهنه قزاق را به انضمام چند قبضه براونیک و غیره گرفته ناقوس راهم باعرا به حمل به شهر نموده روز هفتم ماه جولای ایلیخانی وارد شده حسب الامر علی‌اکبرخان کتوای بادونفر برای استرداد اشیاء مسروقه به طایفه ایلغی رفته هفت رأس مال، هفت پوط چای و پانزده پوط کشمش را گرفته خدمت حکمران آوردند. بقیه اجناس باوجه نقد را نداده جواب گفتند تفریط شده است. تاچه اقتضا کند.

درباب حکومت

روز هشتم ماه مذکور حکومت به شهر وارد شده مقارن غروب منتشر شد بالشویکها در قراسو آمده حکومت را احضار کرده اند. صبح نهم بادرشکه به قراسو می روند. يك شب توقف [و] روز دهم مراجعت نموده از قرار معلوم رفتن به قراسو پوئتیکی بوده، ابدأ آثاری از بالشویکها نبوده است. فقط سده طغری کاغذی به دست آورده که اهالی شهر بالشویکها را استقبال کرده بودند. من جمله به امضاء ابوالقاسم خان رئیس قراسورانها بوده. لدی الورود اورا احضار [کرده] چوب مفعلی زده در نظمیة حبس کردند.

درباب مازندران

این چندروزه خبر وحشت آمیزی از مازندران رسیده. از طرف میرزا کوچک خان هزار نفر جمهوری طلب وارد بارفروش گردیده حکومت را توقیف [و] حکومت ساری فوراً فرار کرده دو ایر دولتی را بیرون نموده اند. حکومت با تاجران مذاکرات و مضطربانه تلگراف سخت به دولت می نمایند جلو گیری از نمایندگان میرزا کوچک خان بشود. هر آینه به استرآباد ورود ۱۶۴ نمایند برای دولت زحمت فوق العاده خواهد بود. مقداری وجه و قشون کافی به قدری لازم است. از طرف رئیس الوزراء جواب رسیده حکومت استرآباد مهمات جنگی با عده کافی از دو طرف برای سرکوبی اشرار حرکت داده و شما هم با کمال دلگرمی مشغول عملیات بوده باشید. تاجچه شود.

درباب قزاقها

از بابت حقوق قزاقهای استرآباد ده هزار تومان به عنوان جیره حواله به اداره مالیه مازندران گردیده است. ابوالفتح میرزا باده نفر قزاق می روند پول را از ساری حرکت داده دو فرسخی به قریه سورک ۱۶۴ وارد [شده] مطالبه مال می نمایند. زنهای قریه می گویند مال نداریم. قزاق نزاع کرده تیری خالی می کند. اهالی اورا با تیر زخمی... ۱۶۵ می زنند. سایر قزاقها بنای شلیک را گذارده تیری هم به قزاق وارد شده فوت شد. يك نفر قزاق زیارتی فرار [کرده] به جنگل زده مفقود است. ابوالفتح میرزا پول را وارد به اشرف کرده چند نفری هم مجدداً از استرآباد با داودخان نایب رفتند روز دوازدهم ماه جولای وجه را وارد نمودند. از طهران تلگراف رسیده و هزار تومان بابت موجب قزاق توسط پست حمل شده در شاهرود قزاقها تعلیم بگیرند.

درباب مرام بالشویک

ایضاً در يك ماه قبل که بالشویکها کراسنودسکی و حسینقلی را اشغال کرده بودند

۱۶۳- اصل: وارد.

۱۶۴- سورک هم خوانده می شود.

۱۶۵- يك کلمه ناخوانا.

يك شب تمام رؤسای تراکمه ساکن حسینقلی را احضار و مرام خود را به آنها می‌گویند [برای] چهار نفر مرد يك زن لازم است. هر کسی دختری دارد می‌تواند برای خود، نکاح ۱۶۶ نماید و تغییر ندهد. هر کس مادر جوانی داشته باشد می‌تواند به‌عنوان زینت نگاه دارد. اموال و اثاثیه با سایر خلق مساوات باشد. ترکمانها از این حرف نامشروع منزجر گردیده قریب بیست خانوار فوراً به سمت گموش تپه آمدند و بکلی از عقاید سابقه که با آنها داشتند برگشتند. تاچه اقتضا کند.

درباب تبعید

فرقه تجار برضد شیخ محمدباقر فاضل حکومت را اغواء نموده، معظم‌الیه را به سبب رابطه با میرزا کوچک‌خان که به استرآباد دعوت می‌نماید و انتشار این خبرها در استرآباد از ایشان است. قائم‌مقام امر نموده جناب فاضل چندی از استرآباد خود را خارج کرده در سد فرسخی شهر زیارت خاسته‌رود رفتند. تاچه اقتضا کند.

درباب ورود

سعدالسلطنه عموزاده وثوق‌الدوله بدریاست مالیه استرآباد وارد [شده]. رعایای خالصه رضایت دارند.

نمره ۲۴۵

۲۲ ماه جولای ۱۹۲۵

درباب شایعات

تراکمه گموش تپه برای تجارت بادکوبه رفته بودند. عثمانیها برضد دولت فخمیه انگلیس چند پوط اوراق عکس چاپ کرده‌اند. معادل نیم پوط آن زیاده از هزار ورق عکس باشد به ترکمانها می‌فروشند. روز شانزدهم ماه جولای اوراق را از گموش تپه به شهر آورده به‌توسط چند نفر دورگردها هر عددی صد دینار می‌فروشند. روز هفدهم حکومت مطلع گردیده به‌توسط مهدی‌خان رئیس نظمیه امر شد تمام اوراق را جمع و چند نفر را گرفته حبس نمودند. تاچه اقتضا کند.

درباب خبر

شب هیجدهم ماه جولای يك پراخوت از طرف اتزلی وارد بندر جزمی شود. بیست و پنج نفر آنها دوساعت از شب گذشته به کنار آمده گمرکخانه را توقیف [کرده] مقداری وجه نقد را تصرف و سیم تلگراف را قطع کرده چند قبضه تننگ از نظمید گرفته و مشغول

عملیات بوده برحسب قرارداد سابقه اهالی بندر و بالشویک مسلکهای اطراف حاضر می‌شوند. نایب‌الحکومه بندر به‌توسط قزاق پیاده برای حکومت راپرت می‌دهند. قائم مقام تجار و آقایان را فوراً خبر نموده اظهار می‌دارد عموماً رأی داده برای دفاع حاضر شوند. فوراً یکصد و پنجاه نفر قزاق را بادو عراده توپ سه‌ساعت به‌غروب حرکت داد، رفتند. ایلجاری از دهات خبر نموده بدتراکمه امر نموده پانصد نفر سوار به قراسو می‌روند. توسط تجار قرار شد پنج‌هزار تومان به‌عنوان قرض بدهند. صبح نوزدهم ایلجاری وارد به‌ریاست مهدی‌خان ایلخانی بدست بندر جز حرکت داده سایر خوانین ورؤسای بلد هر یک با عده‌ای ایلجاری بندر جز رفتند. یک ساعت به‌غروب سیم تلگراف را متصل نموده از بندر جز خبر دادند قزاقها فتح کرده‌اند. یک فرسخی بندر بیست و پنج نفر قزاق باولیک‌نایب (?) را انتخاب کرده قبل از ظهر یک‌مرتبه داخل بندر می‌شوند. چند نفر بالشویک در گمرکخانه منزل داشته محاصره و شلیک تفنگ می‌نمایند. چهار نفر بالشویک و دونفر اجزاء گمرک مقتول شده، یک‌عده بالتکا فرار می‌نمایند. توپخانه قزاق رسیده لتکارات توپ بسته غرق شد. یک‌نفر خود را به‌پراخوت رسانیده، دو نفر غرق شده و چند نفر هم دستگیر شده. بالشویکها چند تیر توپ برای گمرکخانه انداختند. یک‌طرف گمرک را خراب کرده قزاقها پراخوت را توپ بسته معلوم شد عده باقی مانده بدست انزلی برگشتند. روز بیستم حکمران با چند نفر سوار ترکمان بندر جز می‌روند. از قرار مذکور امر کرده چند باب دکاکین تجار رشت را چپاول [نموده]. یک نفر توی آنها مقتول [شده] اشخاصی [را] که در بندر جز و محله ۱۶۷ خبر سوءظن داشته‌اند امر نموده گرفتند. ایضاً در شهر سه‌نفر مظنونین ۱۶۸ را گرفته در نظمیه حبس کردند. در صورتیکه تجار برای مخارج اردو مساعدت می‌نمایند حکومت جداً خود را برای جلوگیری از بالشویکها حاضر نموده است. لکن شب ۲۲ ماه جولای قائم‌مقام تلگرافاً خبر می‌دهد مجدداً چهار پراخوت در عشوراده لنگر انداخته از عقیده آنها خبری مفهوم نشده است. فعلاً بندر را سنگربندی و اقدامات لازمه برای جلوگیری از بالشویکها می‌نمایند. تاجه اقتضا کند.

نمره ۲۵۰

۲ ماه اگست ۱۹۲۰

درباب بندر جز

نتیجه ورود جنگلیها دربندر جز که شش نفر از آنها مقتول شده، هرآینه از شهر کمک فرسیده بود کار خیلی سخت بوده قبل از وقت از طرف جنگلیها به‌اهالی بندر جز و اطراف گلوگاهی ولیوان قراردادی شده بود این بیست و چهار نفر جنگلی به‌عهده

گرفته بودند بندر جز را اداره نمایند. لکن قزاق با ایلجاری و اهالی اتران تخمیناً بیست هزار تومان اموال تجار بندر جز را چاپیدند. قائم مقام چند روزی با کمال جدیت نصف اموال مردم را گرفته مسترد نمودند. هزار تومان از تجار گیلانی تعارف گرفته، رؤسای بندر تماماً متواری [شده] بعضی در استرآباد و برخی در جنگلها منزل نمودند. پنج هزار تومان وجه از تجار مساعده برای حکومت فرستادند. دوازده هزار تومان از طهران حمل شده به توسط ریاست مالیه برای حقوق اجزاء حکومتی و سوارهای تراکمه تقسیم شده، باز هم تراکمه یک عده تعرضاً از بندر جز برگشتند. تاجچه شود.

درباب بالشویکها

به عرض رفته بود چهار پراخوت نزدیکی عشوراده وارد شده اولاً عقیده آنها برای خریدن آذوقه بوده، لکن حکومت اظهاراتی از طرف بالشویکها می نمایند. این چهار پراخوت میل داشتند از راه قراسو بیرون آمده به گنبد قابوس رفته از آنجا به خراسان بروند و کلیه انتشاراتی از طرف حکومت شنیده [شده] که ضدیت بالشویکها با دولت انگلیس است. تاجچه اقتضا کند.

درباب حکومت

میرزا علی اکبرخان نایب الحکومه بندر را به کردمحل فرستادند. توسط ایشان ایلجاری برای محافظت قراسو قراولی بنمایند. عجالتاً حکومت بندر بالواء الدوله رئیس قشون است. یک عده پیاده قزاق وسی نفر سرباز و توپچی را برای امنیت بندر قرارداد سواره قزاق حسب الامر رئیس «دویزیون» حکومت نظامی مازندران بدساری رفتند.

درباب مراجعت

سلخ ماه جولای قائم مقام با پنجاه نفر سوار ترکمان وارد شهر گردیده خوانین استرآباد قراردادی برای رفتن گنبد قابوس داده اند که با سوار جعفربائی از راه صحرا از زیر حدگران بروند.

درباب قتل

به فاصله سه روز دو طفل در قریه فیض آباد سهواً مقتول [شده] و یک طفل هم در قریه محمدآباد با تفنگ پنج تیره به شوخی قتل رسید.

درباب کارگزار آصف الملک

معزی الیه برای انقلاب بندر جز متوحش شده با اهل و عیال و اثاثیه خود به زیارت خاسته رود رفته در ضمن برای بی اعتنائی حکومت به وزارت خارجه تقاضای مرخصی

نموده‌اند. تاجه اقتضا کند.

نمبر ۲۶۵

۱۳ ماه اگست ۱۹۲۵

درباب بندر جز

رؤسای بندر جز، کارگزار بارئیس پست و سیدحسن‌خان رئیس نظمیه و تجار گیلانی تماماً بالشویک مساک [اند] و باجنگلیها معاهده کرده بودند. نیرالممالک کارگزار در منزل طالباف و عباساف گیلانی انجمن داشتند. با اهالی مازندران ارسال و مرسول می کردند. هر آینه عده قزاق برای مجازات آنها بندر جز نرفتند و از طرف حکومت جلوگیری نشد، بود تاکنون تمام اهالی استرآباد بالشویک بوده. آصف‌المالک کارگزار استرآباد از کارگزار بندر به وزارت خارجه شاکی شده مشارالیه را احضار به طهران نمودند.

درباب قزاقها

بدعرض رفته بود عده [ای] قزاق طهران به مازندران رفته و عده خراسان هم چهارم ماه اگست مراجعت به استرآباد کرده، یک عده پیاده قزاق برای تأمین بندر جز قراول هستند.

درباب حکومت

در این مدت یک ماهه دولت ایران پانزده هزار تومان برای حکومت وجه نقد فرستاده معزی‌الیه هم چند نفر خوانین جعفربائی را با عده‌ای سوار ترکمان تاکنون نگاهداری کرده است، چند روز است برای مساعدت حقوق تراکمده آنچه تلگراف به طهران می نمایند ابداً جوابی به ایشان نرسیده و ضمناً بدسبب تقلب ثقة السلطنه معاون حکومتی قائم مقام شب دهم ماه مذکور تغییر زیادی به مشارالیه نموده ایشان هم از خدمت مرجوعه خود استعفا می دهند.

درباب حکومت

نهم ماه مذکور میرزا علی اکبرخان که از طرف حکومت مأمور کرده محله بوده مجدداً معاونت بندر جز به مشارالیه واگذار شده است.

نمره ۲۷۵

۱۹ ماه اگست ۱۹۴۵

درباب مجازات

درباب حبس آخوند ملامحمد قاسم ملقب به کاشف که مشارالیه محرک قتل ساعد لشکر و چندی در حبس حکومت بوده سیزدهم ماه اگست بعضی از اهالی شهر توسط! کرده اند حکومت پذیرفته قرار شد مشارالیه از استرآباد بروند. تاچه اقتضا کند.

درباب حمل برنج

حکومت امر نموده است برنج را از شهر بیرون نبرند، فقط در شهر به مصرف فروش برسانند. شب ۱۴ ماه اگست چند باب برنج حمل به شاهرود می نمایند. اداره نظمیّه مخبر شده برنجهار اضبط در نظمیّه [کرده]، بعد در بازار [برده] باری هیجده تومان فروخته و چه آن را بین آژان تقسیم نمودند.

درباب مجازات

ایضاً میرزا ابوالقاسم طالقانی گماشته و کیل التجار را حکومت احضار کرده فرمودند و کیل التجار حق ندارد خودسرانه بدهدات فرستاده مطالبات خود را وصول نمایند و مردم را اذیت نمایند. مشارالیه جواب می دهد در استرآباد معمول است هر کس طلبکار است تامی تواند به حکومت اطلاع نمی دهد، آدم فرستاده شخصاً مطالبات خود را جمع می نماید. حکومت متغیر شده دو نفر فراش را صدازده امر کرده گوشهای میرزا ابوالقاسم را گرفتند. گفت بزیند پشت گردن او را، از دیوانخانه بیرون نمائید.

درباب خبر

بیست و نهم ماه ذی قعدة مطابق ۱۵ ماه اگست خبر رسید چهار صد نفر بالشویک می خواهند از حسینقلی بیایند در گنبد قابوس. حکومت استرآباد امر کرده فعلاً يك عدد از قزاقها بروند در گنبد قابوس، تا کنون اثری به ظهور نرسیده این خبر صحت دارد یا دروغ است. هر آینه صحت داشته باشد عده قزاق حرکت خواهد کرد.

درباب نظمیّه

مهدی خان رئیس نظمیّه حسب الامر قائم مقام دو روز است در قونسلخانه روس که منزل کرده مشغول گرفتن نقشه می باشند.

درباب قزاقها

حسین نام سعدآبادی يك بار خربزه به شهر آورده به مصرف فروش برساند. تقی نام

قزاق مال رعیت را گرفته برای قزاقخانه برود از بیرون آب ببرد. مدتی است اهالی دهات برای آب آوردن به اداره قزاقخانه مبتلا می باشند. حسین نام رعیت مسامحه در دادن مال می کند. قزاق باهفت تیر برای او خالی کرده تیری به حسین سعدآبادی وارد شده نفر قزاق مال را برای آوردن می برد. خبر به اداره قزاقخانه رسیده فوراً دو نفر قزاق حسین را به اداره برده مشغول معالجه می باشند. تاجه اقتضا کند.

در باب مالیه

ایضاً ابوالحسن خان مستخدم اداره مالیه که در دهات کتول مباشرت داشته دو سال حساب خود را با اداره تحفیه ۱۶۹ نکرده بود، حال که حساب مشارالیه را رسیدگی نموده هزار و هشتصد تومان باقی آورده است.

در باب خبر فوت

شانزدهم ماه اگست حاج الش تجارگموش تپه که سابقاً به عرض رفته بود مقتول شده است مجروح بود، حال برای حکومت خبر آوردند که فوت شده است. برای جلب قلوب اهالی گموش تپه قائم مقام رئیس نظمیه را برای فاتحه و تسلیت بازماندگان او فرستاده به گموش تپه رفتند.

در باب خبر

هفدهم ماه مذکور حسب الامر حکومت شصت نفر قزاق بایک صاحب منصب به قراسو رفته قراول باشند که خبر ورود بالشویک در حسینقلی شده است که عده آنها زیاد شده است. ایالت هم از قرار مذکور تایک هفته دیگر عزیمت گنبد قابوس خواهند کرد. تاجه اقتضا کند.

در باب ثقة السلطنه

به عرض رسانیده بود برای حرکات ناملایم مشارالیه حکومت تغییر نموده اند، استعفا از خدمت مرجوعه خود داده وزارت داخله قبول نکرده. روز هیجدهم قائم مقام مشارالیه را احضار کرده به دیوانخانه رفتند.

در باب معزولی کار گزار

رضاخان آصف الملک کار گزار استرآباد به واسطه طرفیت قائم مقام معزول [شده] محمد حسین خان قاجار اعتصام الممالک که رئیس کمیسیون گنبد قابوس بوده به جای او منصوب ۱۷۰ [شده] و حسینقلی خان پسر جناب معظم الیه منشی اداره کارگزاری می باشند.

۱۶۹ - بجای تسویه.

۱۷۰ - اصل: منسوب.